



عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى  
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السلام عليك يا أبا عبد الله  
السلام عليكم ورحمة الله  
وبركاته.

السلام على الحسين و  
على عليّ بن الحسين و  
على اولاد الحسين و على  
اصحاب الحسين و رحمة  
الله وبركاته.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: حضرت زهرا علیها السلام اُمّ ابیهاست  
یعنی مادر پدرش است.

حضرت علی علیه السلام کفواً أحد است،  
حضرت زهرا علیها السلام کفواً خلقت است.  
چون این ها در تمام خلقت نابغه هستند،  
مثل آن ها نیست.

در شب نوزدهم ماه رمضان وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام ضربت خورد، جبرئیل میان زمین و آسمان ندا داد: «ارکان خدا شکست و علی مرتضی را کشتند». امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «فزت ورب الکعبه»: به پروردگار کعبه رستگار شدم. مگر امیرالمؤمنین علیه السلام رستگار نبود که می‌گوید من رستگار شدم؟! آنچه رستگاری در تمام خلقت است به واسطه‌ی علی علیه السلام است.

چرا علی علیه السلام می‌گوید من رستگار شدم؟! وقتی جبرئیل ندا داد عده‌ای از اهل جهنم رقت کردند، به واسطه‌ی این رقت نجات یافتند! خدا لعنت کند آن دو نفر را که نگذاشتند امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیاید دنیا را گلستان کند. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌آید دنیا را گلستان می‌کند؟! حضرت علی علیه السلام بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله می‌خواست همان کار را بکند آن دو نفر نگذاشتند.

چرا نگذاشتند؟ چون دیدند اگر امام شناخته شود کسی دور خلفاء نمی‌رود، خلفاء دیدند اینها عدالت دارند، صداقت دارند، علم دارند، حلم دارند، ولایت دارند، از ماورای خلقت خبر می‌دهند، آنچه که خوبی در تمام این خلقت است به واسطه‌ی اینها به خلقت افشا می‌شود،

تصمیم گرفتند تسلیم ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف نشوند، دومی گفت: ما زیر بار علی نمی رویم، همین طور ادامه پیدا کرد تا زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، زیر بار ولایت نرفتند.

علی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم نتوانست حرفش را بزند، نه اینکه نتوانست، مردم کشش نداشتند! به خاطر همین رفت به چاه حرفش را زد! تمام حرف‌ها معنی اش در دل علی است! نجات بشر در دل علی است! راهنمای همه‌ی خلقت علی است! وصی رسول الله علی است!

إن شاء الله زمانی بشود این چاه به زبان درآید! همین جور که دست شما در قیامت به زبان درمی آید، این چاه زمانی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاید، پیچش را بگرداند به زبان در می‌آید! این چاه مانند ضبط صوت از اول زمانی که امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف حرف زده است تمام فرمایشات امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان می‌کند؛ یعنی در عالم پخش می‌شود. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مقصد تمام خلقت را اجرا می‌کند در تمام این دنیا هیچ چیزی از ظهور مهم‌تر نیست، تمام این حرف‌ها مشاور است، اصل وجود مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، آن موقع حق و باطل از هم جدا می‌شود.

مگر خدا، پیغمبر، ائمه نگفتند؟! جبرئیل نگفته؟! قرآن

نگفته؟! امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف قسم می خورد و می فرماید: جدّم رسول الله گفته است اگر یک روز از دنیا باقی باشد امام زمان تشریف می آورد.

آنچه در خلقت است مقصدش رجعت است، اصلاً امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خودش را فدای رجعت می کند که ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف بیایند و احقاق حق شود، ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مقدمه ی رجعت است.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می داند چه وقت ظهورش است اما دو اجازه می خواهد، اول اجازه از خدا، بعد اجازه از حضرت زهرا عجل الله تعالی فرجه الشریف، والله روایت داریم به اجازه ی مادرش ظهور می کند، توجه فرمودید؟! حالا نگوئید که ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف احتیاج دارند، اینها اجازه روی اجازه است، احترام روی احترام است.

آخرین امضای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را وجود مبارک حضرت زهرا عجل الله تعالی فرجه الشریف باید بکند، این شاء الله آخرین امضا شده است، حالا شما باید مواظب خودتان باشید، جوری باشید که جزء یاوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشید، تو اگر بخواهی یاور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشی باید هیچ کس و هیچ چیز را نخواهی، فقط علاقهات به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. وقتی امام

زمان عَلَيْهِ السَّلَام می آید یک جان داری فدای امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام کنی. جزء آنهایی باشید که بدوید. یاور باید اول تشخیص نور بدهد؛ یعنی تشخیص ولایت، بعد حرکت کند به سمت نور، حالا که حرکت کرد، تسلیم نور باشد مثل اصحاب امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام درباره شان می فرماید: «السلام علیک یا مطیع الله و رسوله، عبد الصالح»، پدر و مادرم به قربانتان.

روایت داریم آقا امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام وقتی می آید وارد مکه می شود. مردم باور نمی کنند این امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام است، خودش را به خانه ی خدا می رساند، مردم دیگر نمی توانند آنجا کاری بکنند، می ترسند؛ یعنی همین جور که می گوید در خانه ی خدا مبطل به جا نیاور، همان ها هم که به اصطلاح دشمن امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، مکه را از ترسشان احترام می کنند.

حالا آقا به تمام عالم یک هشدار می دهد، یک پرچمی باز می کند، در آن پرچم «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» نوشته شده است، از تمام عالم کمک می خواهد. روایت داریم که این پرچم را تمام دنیا می بینند. امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام یک ندا در مکه می دهد «جاء الحق و زهق الباطل.» یعنی آنچه



که باطل است از بین می رود، حالا این ندا به تمام دنیا می رسد یک جلوه ای می کند.

آقا وقتی تشریف می آورد اول کاری که می کند به مدینه می آید، سر قبر مادرش می رود و می فرماید: مادر جان! آمدم! قبر مادرش را معلوم می کند. صدا می زند: مادر جان! هر چقدر هل من ناصر گفתי کسی نیامد! من آمدم! مادر جان! من آمدم! عزیز من! چقدر هل من ناصر گفתי هیچکس نیامد تو را یاری کند! من آمدم.

بعد از آن می آید آن دو نفر را از قبر درمی آورد، آنها را به دار می زند که مردم ببینند، سپس می گوید: چرا به هم پیوستید؟! چرا پهلوی مادرم را شکستید؟! آخر مادر من چه کرده بود که بازویش را شکستید؟! چه کرده بود که سیلی به او زدید؟! تقصیر مادر من چه بود؟! این دو نفر را آتش می زند. پس داغ دل شیعه را، مقصد شیعه را، هیچکس نمی تواند عملی کند مگر وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف.  
 آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف وقتی می آید روی دو چیز خیلی تکیه دارد:

**اول:** این دو نفر را درمی آورد، می گوید: فراموش نمی کنم آن موقعی که در خانه ی مادرم ریختند و اصلاً رحم نکردند!

آن بچه زیر پای مسلمان ها رفت! محسنِ مادرم را زیر پا له کردند.

آن قدر صحنه‌ی کربلا مهم است، امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام که تمام خلقت در اختیارش است داخل آن نمی‌شود، امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام وارد صحنه‌ی کربلا زمانی می‌شود که قضایای کربلا را بگوید و مردم گریه کنند، محدوده را هم افشا می‌کند، مستقل را افشا می‌کند، تمام مردم مستقل می‌شوند. ما هم می‌گوئیم بی‌ائید مستقل شوید، بی‌ائید محبوب خدا شوید.

**دوم:** امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام می‌گوید: یا جدّاه! فراموش نمی‌کنم آن موقعی را که ذوالجناح، اسب بی صاحب در خیمه آمد، همه از خیمه‌ها بیرون زدند، آقا جان! این دفعه هم به خیالشان تو آمده ای، اهل بیت تا ذوالجناح شیهه کشید، همه آمدند دیدند زین و ازگون! یال اسب غرقه خون! این اسب می‌گوید: «الظلیمه! الظلیمه!» وای به حال آن کسانی که پسر پیغمبر را کشتند! امام زمان خودشان را کشتند! حیوان دارد حرف می‌زند! مگر انسان حسین را می‌کشد؟! مقدس ها حسین ما را کشتند.

روایت داریم، آن موقعی که آقا امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام می‌آید قبله کربلاست. چون که اصل ولایت است، قبله هم ولایت

است. اینکه می‌گوید: شما رو به قبله بایست، رو به ولایت بایست، رو به علی بایست، رو به زهرا بایست. چرا؟! اگر آنها را قبول نداشته باشی، نمازت به درد نمی‌خورد؛ یعنی به روی ولایت بایست، به روی مقصد خدا بایست، چون که اگر مقصد خدا را قبول نداشته باشی تمام عبادت هایت هیچ است. چرا؟! قبله علی است، قبله زهراست، قبله این ۱۲ امام، ۱۴ معصوم اند اگر نه، پشت به قبله ایستاده‌ای. مگر ۷ میلیون مردم رو به مکه نایستادند، چرا کافرند؟ سلمان، ابادر، میثم، مقداد رو به علی ایستادند، چرا انسانند؟! ولایت دارند. رفقای عزیز بیائید رو به ولایت بایستیم .

خدا رحمت کند! شیخ عباس را که می‌گفت: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام قسم کبیره می‌خورد و می‌گوید وقتی که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام می‌آید علی ابن ابوطالب، علی عَلَيْهِ السَّلَام مُهر زنده است، مُهر می‌زند مؤمن یا منافق! اما عقیده ی ولایتی من این است: عقیده ای که آن موقع درون توست صادر می‌شود. همین جور که امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام نگاه می‌کند تمام خباثت بیرون می‌ریزد، روی پیشانی‌ات می‌آید!. مواظب باش! بادین، با اسلام، منافق بازی در نیاور، بترس از آن روزی که به پیشانی‌ات نوشته می‌شود! امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام باید کمک

کند. چرا؟! خدا همه جا می خواهد علی را افشا کند، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خودش اختیار دارد، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تمام خلقت است، نفس ها که خلقت می کشند به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

من یک شب در عالم رؤیا خواب دیدم در مغازه ام بودم که به من گفتند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کرده است، پالتویم را هم نپوشیدم، فوراً پا برهنه شدم که زودتر بروم، خدا می داند به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قسم آمدم از سر کوچه مان بگذرم نگاه هم در کوچه نکردم که مبادا پدرم صدایم بزند، رویم را برگرداندم و می دویدم، دیدم آقا نزدیک کارخانه ریسباف آمده است آن موقع همه زمین بود، مورد عنایت آقا قرار گرفتم آقا منشی داشت، گفت برو به بازاری ها بگو بیایند، بازاری ها نیامدند. حالا عده ای از طرف کوه ها به سمت ما توپ سوار کرده بودند. من به آقا گفتم: آقا جان ما که اسلحه نداریم آقا یک نظر به آسمان کرد شمشیر از آسمان به زمین ریخت. یکی از آنها را برداشتم و مواظب آقا بودم به آقا گفتم: این ها توپ و تانک دارند حضرت گفت: فلانی اینها از کار می افتد، آقا یک صوت حجاز خواند، انگار از تمام زمین و آسمان صدا می آمد، توپ و تانک از کار افتاد.

آنوقت اینها دست هایشان را روی سرشان گذاشته بودند از کوه‌ها پایین می آمدند.

وقتی آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف بیاید حتی یک توپ و تانک یا اتم اصلاً کار نمی‌کند. باباجان من! والله این هم عصاره دارد. چرا؟! توپ و تانک به امر امام است، به امر امام باید در برود.

مگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف تمام خلقت در قدرتش نیست؟! نفس‌ها که عالم می‌کشند در قدرت اوست، رشد حیوان‌ها، رشد بشر در قدرت اوست، رشد نباتات در قدرت اوست، ریگ و بیابان در قدرت اوست. والله روایت داریم آقا وقتی می‌آید این دیوار حرف می‌زند و می‌گوید یک منافق پشت من است، آقا! بیا این را بگش! وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف بیاید ولایت در تمام خلقت دمیده می‌شود تا حتی در دیوارها، در درخت‌ها، الآن دمیده شده، افشا نمی‌شود، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف وقتی بیاید افشا می‌شود.

حالا مگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف محتاج است؟! اصلاً کسی در روی زمین و غیر زمین نیست مانند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف! چرا؟! تمام خلقت به امر اوست. مگر نمی‌گوید اگر نباشد عالم فروریزان می‌شود؟! این محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

است که می‌گوید اگر نباشد فروریزان می‌شود؛ یعنی محبت در تمام خلقت دمیده شده است، اگر آن دمیدگی روحی نباشد همه‌ی خلقت فروریزان می‌شود.

حالا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رحمت در تمام خلقت است، بین سلمان مگر علم اولین تا آخرین را ندارد؟! می‌گوید: ای رسول اکرم! اگر ما آخرالزمان را درک کردیم چه کنیم؟! رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌گوید: اگر آن زمان را درک کردی واجبات، ترک محرمات، منتظر امام زمانت باش، برو کنار. مگر آن نیروئی که تو داری می‌گذارد کنار بروی؟! همیشه می‌خواهی نیرویت را صرف شهوتت کنی! صرف دلت کنی! صرف خیالت کنی! صرف رفاقت کنی!

چرا به شما می‌گوید آخرالزمان مثل گلیم کهنه باش و برو کنار، به خیر و شرّ مردم شرکت نکن؟ می‌گوید خیرشان شرّ است؛ یعنی آن کار خیری که دارد می‌کند شرّ است.

یا سلمان! به خوب و بد آن زمان شرکت نکن، برو کنار! اینقدر اینطرف و آنطرف نرو! می‌توانی آرام بگیری؟! آن نیروی تو را، شیطان به نفع خودش استفاده می‌کند، آرام بگیر! چرا آرام نمی‌گیری؟! ما به ولایت هنوز خیلی یقین نکرده ایم، اگر یقین کنی، آرام می‌گیری.

مواظب باش! با چنگ و دندان ولایت را حفظ کن  
 خدشه به آن نخورد! هیچ کجا والله خبری نیست! عزیزان  
 من! آخه چه می خواهی تو؟! پی کجا می گردی؟! همه جا  
 سراب است، آب که نیست!

تو که منتظر امام زمانی عجل الله تعالی فرجه الشريف، امام صادق ع هم  
 منتظر است اما منتظر! منتظر خلق نیست، منتظر شهوت  
 نیست، منتظر غیر امر نیست، واحد است، منتظر امام  
 زمانش عجل الله تعالی فرجه الشريف است.

من یک وقت یک مثالی زدم، گفتم مانند آن تنگه ای که  
 در جنگ احد بود، حضرت گفت: اینجا بایستید، چه فتح  
 کردیم، چه شکست خوردیم بایستید تنگه را رها نکنید.  
 اینها فتح کردند، نایستادند، رفتند غنیمت جمع کنند.  
 دندان پیغمبر شکست، ۹۰ زخم به امیرالمؤمنین علی ع  
 خورد، حمزه ی سیدالشهداء به شهادت رسید. ببینید  
 در تمام جهادهای پیغمبر هیچ کجا مطابق این جهاد به  
 اسلام ضربه نخورد.

چرا به تو می گوید بایست، می روی؟! تو هم از همان هائی!  
 به تو می گوید منتظر باش! کجا می روی؟! پی کی می روی؟!  
 کجا می روی؟! چرا می روی؟! خب وقتی نایستادند ضربه

به اسلام می خورد، ضربه به ولایت می خورد، ضربه به امر می خورد. چرا می روید؟! عناد دارید، می گوئید من بروم یک کاری بکنم این وظیفه است و شیطان از این حرف ها به تو می زند. بایست عزیز من! اگر قوم موسی می ایستادند که گوساله پرست نمی شدند! نایستادند تا موسی بیاید!

پس آن کسی که منتظر امام زمانش عجل الله تعال فرجه الشريف است باید امر را اطاعت کند، آن امر انتظار است نه تو، آن امری که داری اطاعت می کنی آن امر، انتظار امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف را می کشد نه تو. امر چیست؟ آن امر انتظار است، اگر امر را اطاعت نکنی جدا می شوی.

پس تو چی هستی؟! هیکل تو که منتظر نیست! آن که توی توست باید منتظر باشد، قربانت بگردم، آن معصومیت تو، انتظار امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف را می کشد، آن تقوای تو انتظار امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف را می کشد.

منتظر یعنی چه؟! مگر امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف غایب است؟! چه کسی می گوید امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف غایب است؟! غایب توئی که نمی فهمی! امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف از نظر تو غایب است. شما باید آمادگی هل من ناصر خدا را داشته باشید، آمادگی



هل من ناصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را داشته باشید، اگر یک روزی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف آمد باید بدوی، انتظارالفرج یعنی انتظار ندای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را داشته باشید. آنوقت دیگر کاری به دنیا نداری. به گناه کاری نداری، انتظارلهو ولعب نداری، به تلویزیون کاری نداری، آن هم مردمی خواهد که این جور باشد. حالا تازه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف که می آید یاوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف از او میراث می خواهند، یقینی که توی تو هست آن میراث است!!!

به حضرت عباس، آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف به من گفت حسین مردم مسموم شدند، بار دیگر فرمود: مردم اهل دنیا شدند. اگر می گوید منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف باش نه اینکه اینجا بیاید، منتظر امرش باش که دارد به تو صادر می شود آن وقت ثواب هزار شهید می بری.

از آقا امام صادق علیه السلام سؤال شد: یا بن رسول الله! آن منتقم آل محمد شمائید؟! گفت: نه والله، آن مهدی، حجت آخرالزمان است، من هم منتظرم.

خب حالا اگر ما منتظریم، اینکه می گوید «انتظارالفرج افضل العبادة.» از همه ی عبادت ها بالاتر است، باید اینجور باشیم:

اگر تمام این دنیا را به شما بدهند باز مانند امام صادق عجل الله تعال فرجه الشريف باید منتظر آقا باشید، منتظر یعنی این! خدا تمام خلقت را به امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف داده است باز امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف برای مصیبت امام حسین عجل الله تعال فرجه الشريف گریه می‌کند، تا زمانی که احقاق حق از جدش امام حسین عجل الله تعال فرجه الشريف شود. پس مصیبت امام حسین عجل الله تعال فرجه الشريف از تمام خلقت بالاتر است.

عزیزان من! شما هم باید همین‌جور باشید، دو چیز در عروق بدن شما، خون شما، تمام اشیای شما عضو باشد: اول خواست خدا ولایت، بعد مصیبت امام حسین عجل الله تعال فرجه الشريف.

این دو چیز را از ما گرفتند، یک چیز دیگر به ما دادند، حالا امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف به متقی می‌گوید خوشی تمام شد. آن خوشی که امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف می‌گوید، خوشی تمام خلقت است. تو اگر ولایت و مصیبت امام حسین عجل الله تعال فرجه الشريف در تمام عروق و خون و اشیای بدنت عضو باشد در خلقت خوشی، اگر اینجوری باشی در بهشت خوشی، اگر اینجور باشی در فردوس خوشی، اگر اینجور باشی پیش آقا امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف هستی، اگر اینجور باشی در عرش خداهستی. خوشی یعنی این. حالا این که نباشد همه فاسد است! دنبال چه کسی

می روی؟! چه کار می کنی!؟

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حالا هم دلش می سوزد، گاهگاهی می گوید: ای خدا! فرج من را نزدیک کن. رفقای عزیز! خواسته تان فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، اگر ایشان بیاید والله تمام کارها اصلاح می شود.

منتظر، نه اینکه منتظر دیدن امام باشیم. دیدن امام خیلی خوب است، اگر امام را دیدی خلقت را دیدی اما قیام امام از امام بالاتر است چونکه قیام امام مقصد خداست، امام نور خداست، قیامش مقصد خداست. چرا؟! آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یا آقا امام حسین علیه السلام، تمام ائمه علیهم السلام مقصدشان همین بوده است.

چرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی تشریف می آورد، می گوید منم آدم، منم نوح، منم پیغمبر آخر الزمان؟! یعنی همه ی آنها امام زمانند، همه ی آنها مقصدشان این بوده که مقصد خدا را به خلقت بگویند، خلقت یک خلقت توحیدی بشود، خلقت یک خلقتی بشود که به ماوراء وصل بشود. کجا به ماوراء وصل هستی!؟

نفس هائی که عالم می کشد در قبضه ی قدرت ولی الله الأعظم است. کجا دنبال این و آن می روی؟! اگر منتظری

او هنوز نیامده است، کجا می رویم؟! چه کار می کنیم؟! آقا امام حسن عسگری عجل الله تعالی فرجه الشریف در ظاهر که از دنیا رفت، نیشابور شهر معظمی بوده است، نمایندگان اهل نیشابور از طرف مردم نیشابور برای آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پول خیلی زیاد و هدایای فراوانی آورده بودند. دیدند جعفر کذاب نشست است و می گوید من امامم، او ادعای امامت کرد. نمایندگان گفتند: ما می آمدیم خدمت امام حسن عسگری عجل الله تعالی فرجه الشریف و او می گفت چقدر پول درون این کیسه ها است، مال چه کسی است! جواب کاغذها را هم ندیده می داد، اگر امام تو هستی؟! کاغذها را ندیده جواب بده. جعفر گفت: برو باباجان! این حرفها چیه می زنید؟! اینجوری اعجاز از من می خواهید؟ غیب از من می پرسید؟! چی از من می خواهید؟! پول آورده اید بدهید و اگر هم نیست که بروید.

حالا دم دروازه آمدند، وقتی که اینها داشتند می رفتند، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از اصحاب را پی شان روانه کرد، اینها را بُرد پیش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سلام کردند و گفتند: آقا! اینها را ما امانت آوردیم، گفت: امام منم، این کیسه ها مال چه کسی است، اسم خود آنها را گفت، پدرشان را هم گفت

و این که چقدر در کیسه است، جواب نامه ها را هم داد اما گفت که این کیسه ها دیگر به درد من نمی خورد، من دست به این پول ها نمی گذارم، قبولش نمی کنم.

بترسید از آن روزی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اعمال ما را قبول نکند. به آن کسی که اینها را آورده بود، گفت: شیطه چی آورده است؟! او چقدر پول داده؟! راوی خبر می گوید: اصلاً من نمی خواستم به امام زمان بگویم، من خجالت می کشیدم چونکه شیطه چیز جزئی داده بود. دو گز کرباس آورده بود و یک چیز خیلی کمی، آن را ازش گرفت و یک پولی به او داد.

آقا پول های اهل نیشابور را برگرداند. راوی گفت: چرا؟! گفت: آنها حنفی شده اند، از من برگشتند. سلام من را به شیطه برسان، این مبلغ را هم بهش بده، بهش بگو: تا چند ماه دیگر زنده ای و می میری، اینها را هم خرج کن، این تا آخر عمر برایت کافی است.

چرا ما دنبال حرام می رویم؟! چرا ما در خانه ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی رویم؟! آخه ما چه مسلمانی هستیم؟! ما چه توحیدی داریم!؟

به این راوی گفت: من می آیم به او نماز می خوانم، من

را دیدی حرفی نزن. خوش بحال آن جنازه‌ای که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بگوید من از ایشان بدی ندیدم! راوی برگشت، وقتی رفت دید اهل نیشابور همه برگشتند، اینها حنفی شدند.

با کی هستیم ما؟! چه کسی را مؤثر می دانیم؟! او حنفی شده، ما یک چیز دیگری شده‌ایم! چه کسی را مؤثر می دانی؟! خدا نکند ما اعمالمان غیر از علی باشد، غیر از خدا باشد و قبول نکند.

حالا این راوی مواظب بود، قسم می خورد و می گوید: من روزشماری می کردم، یک وقت دیدم از خانه‌ی شیطیه صدای گریه بلند است، متوجه شدم شیطیه از دنیا رفته است و جنازه‌اش را به مصلی بردند، دیدم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تشریف آوردند، نماز به ایشان خواندند.

خیلی آدم یک جوری می شود، چه کسانی هستند؟! زن ها یک وقت از مردها جلو می افتند! عزیزان من! توجه بفرمائید! خدا با کسی این حرف ها را ندارد، می گوید: «إِنَّ أكرمکم عند الله أتقاکم» خدا نزدش زن و مرد ندارد، هر که تقوایش بیشتر باشد او را می خواهد.

حالا هم گویا قبری دارد و زیارتگاه است. شیطیه تقوی

دارد، بیائید شیطیه بشوید امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف به شما نماز بخواند، امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف قبولتان بکند، امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف وجوهاتتان را قبول کند، تمام اعمال ما را باید قبول کنند.

مگر این آقای سیستانی نیست؟! پدر بزرگواری داشت ۴۰ جمعه زیارت عاشورا خواند، ایشان در کوچه می رفت تاریک بود، دید یک خانه ای است که انگار نور بالا می رود. آن خانه متعلق به پیرزنی بود که نه شوهر داشت و نه بچه. با اجازه داخل شد، دید آن زن در حال جان دادن است و امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف بالای سرش است. امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف فرمود: سیستانی! ۴۰ شب جمعه، ۴۰ زیارت عاشورا خواندی من را ببینی، یک کاری بکن من به دیدنت بیایم. این زن زمان پهلوی هفت سال از خانه بیرون نیامد که نامحرم او را ببیند. من بالای سرش آمدم. خانم کجا بیرون می آیی، خودت را نشان می دهی! ما آن حرفهایی که هست را می زنیم. تو چه کاره ای؟ تو چرا خودت را می فروشی؟ تو چرا کاری نمی کنی که آقا بالای سرت بیاید؟ در صورتی که امر امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف را اطاعت کنی امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف بالای سرت می آید و به تو نماز می خواند. اما تو باید نسخه آن وجود مبارک باشی. اگر بروی کنار امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف دنبالت

می فرستد.

**این پنج چیز را اگر عمل کنید رستگار هستید:**

**اول:** ولایت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام است، مشابه درست نکنید.

**دوم:** عدالت است، اگر آنها عادل بودند، با زهرای عزیز این کار را نمی کردند، در هر کارتان عدالت داشته باشید.

**سوم:** سخاوت است، حتی الإمكان سخی باشید آن وقت بعضی ها سخاوتشان مطلق است؛ یعنی همیشه جاری است، همیشه یاد است. الآن شما شب که می خوابی به فکر حاجت برادر مؤمن هستی، این جاری است.

**چهارم:** ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام را خلق حساب نکنید.

**پنجم:** دنبال خلق نروید.

حرف از خودت نزن، دنبال کسی هم که از خودش حرف می زند نرو.

بشر باید تسلیم باشد، اگر شما تسلیم شدید یوم ندارید، تمام گمراهی بشر این است که تسلیم نیست، بین می گوید: «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا أئیه الذین



ءامنو صلّوا علیه و سلّموا تسليماً» باید تسلیم پیغمبر بشوید، خدا این پیغمبر را برانگیخته اش کرد، اگر تسلیم پیغمبر بودند این همه فجایع به وجود نمی آمد.

قدری توی دنیا توجه کنیم چه چیزی ما را نجات می دهد؟! اینکه می گوید دین به منزله ی آتش کف دست است و یا در بیابانی که خار مگیلان است بخواهی راه بروی، اینها که نیست! اینها یک هشدارهائی است که به بشر می شود، عزیز من! توجه کن، اگر آن روز پیغمبر فرمود، امروز من آن را افشا می کنم، امروز از اینجا که رفتی، توی بیابان توی تیغ ها می روی، عزیزان من! اگر می گوید آتش کف دست، عقیده ی ولایتی ام این است: صبر باید داشته باشید، تحمل باید داشته باشید، آتش آخرالزمان را در دست بگیری نگذاری جرقه بزند به اهلت، به عیالت، به بچه ات، به شرفت، به غیرت، به هستی ات. این آتش را در کف دستتان بگیرید، عزیزان من! قانع و راضی باشید!

اگر قانع و راضی شدیم دستمان پیش خلق دراز نیست مومن باید محترم باشد نه ضعیف، در مقابل خدا و ولایت ضعیف باشیم. «یا لطیف! إرحم عبدک الضعیف!» ما در مقابل خلق باید قوی باشیم، اگر قوی نباشید عزیزان من!

سُرمی خورید.

**چه جور قوی باشیم؟! ما خلق را مؤثر ندانیم، خدا مؤثر است، امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام مؤثر است، ولایت مؤثر است. آیا ولایت اینقدر قدرت ندارد که ما را تأمین کند؟! اینقدر ما خدانشناسیم؟ خدا را، قدرتش را نمی فهمیم؟! وجود امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را، قدرتش را نمی فهمیم؟! مگر خدا نمی گوید «والله خیر الرزقین.»؟! رزقتان را می دهم، به قدر یک آدم عادی به خدا اطمینان داشته باشید آن وقت سُرمی خورید.**

حالا در آخرالزمان به شما می گوید که شما برو تسلیم متقی بشو اما تو نمی شوی، یک اندازه ای می شوی! ما این ولایت خواستمان، این امام حسین خواستمان، حرفش را می زنیم، آن تسلیمیت را نداریم. ۷۰ هزار نفر تسلیم نبودند، پنج نفر تسلیم بودند.

**حالا چطور بشویم که برویم دنبال امر؟! حق را خدا فاش کرده است، آخرالزمان می گوید برو دنبال متقی، قربانت بگردم، دنبال متقی نه اینکه دنبال من بیائی، دنبال کلام متقی برو، دنبال حرف متقی برو، حرف او نجات است نه خودش. ببین دارم چه می گویم؟! حرفش نجات است.**

من نود و پنج سالم است، شادم! هیچ غصه‌ای ندارم! فقط غصه‌ام این است که چرا امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف تشریف نمی‌آورد؟! فقط شما صدمه‌ای که به من می‌زنید وقتی است که از این جلسه بروید می‌فهمم گیر گرگ‌ها می‌افتید! هیچ غم و غصه‌ای ندارم، هیچ ترسی ندارم، چرا نمی‌ترسم؟! من محبت علی علیه السلام دارم! من محبت رسول الله صلی الله علیه و آله دارم! من محبت حضرت زهرا علیها السلام دارم! من محبت حسین علیه السلام دارم! من محبت حسن علیه السلام دارم! من محبت امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف دارم! با محبت اینها وارد محشر می‌شوم، چه ترسی دارم؟! تو باید بترسی که هی دنیا دنیا می‌کنی! محبت ائمه علیهم السلام ازت گرفته می‌شود. چرا اهل دنیا می‌شوی که محبت اینها ازت گرفته بشود؟! بیا لااقل اهل این حرف‌ها بشو! اگر حقیقت اینها را نمی‌دانیم ظاهرش را باید بدانیم. نمی‌خواهم شما را ناراحت کنم، والله توی کوچه‌های مدینه می‌گشتم، ناله‌های زهرا را می‌شنیدم! باور کن من چه جور سر می‌کردم! می‌گفتم زهرای عزیز، توی این کوچه‌ها رفته! رفتم آنجا بیت الأحزان، خدا می‌داند چه به سرم آمد؟! یعنی همه‌اش در قلب من زهرا بود، همه‌اش زهرای عزیز را یادم نمی‌رفت!

چرا می‌گویند صوت داوود را می‌خواهند ضبط کنند؟! عده‌ای هستند از خارجی‌ها دارند زحمت می‌کشند صوت داوود را از جوّ عالم بگیرند. آیا ناله‌های زهرا عَلَيْهَا السَّلَام توی جوّ عالم نیست؟! آیا هل من ناصر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام توی جوّ عالم نیست؟! چطور صوت داوود را می‌گیرند اما ناله‌های زهرا را نمی‌گیرند؟! ناله‌های زینب را نمی‌گیرند؟! والله بالله دوست علی باید لبش خندان باشد اما دلش مانند آتش باشد، آن وقت است که اتصال به ولیّ الله الاعظم می‌شود و ثواب هزار شهید به او می‌دهد.

لبت خنده باشد اما در دلت گریه باشد، خنده آن روزی است که آقا امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام بیاید احقاق حق از دشمنان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام کند، خنده آن روزی است که بیاید احقاق حق از دشمنان حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام کند، این شاء الله خواهد آمد.

من باره‌ها به شما ای دوستان عزیز! گفتم، یک کناری بروید نجوی با امام زمانتان عَلَيْهِ السَّلَام بکنید، والله امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام غریب است، نه اینکه غریب باشد، مانند جدّش حسین است، هل من ناصر می‌گوید، چه کسی طرف او می‌رود؟! در هل من ناصر، امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام غریب است نه امام

زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف غریب باشد. یعنی آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف خواستش این است شما در خانه اش بروی! خواستش این است با او نجوی کنی! شبها با چه کسی نجوی می کنی؟! با کجا نجوی می کنی!؟

اگر یک گوشه ای بروی نجوی کنی آن وقت می بینی چه لذتی دارد؟! اصلاً به غیر از نجوای با خدا و نجوای با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف لذت در عالم نیست.

من پاره ای از وقت ها می گویم: امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف! خوش به حال تو که کفش مادرت پیش توست، بو می کنی، بوی ولایت می دهد، اگر تمام خلقت مال من بود آن را می دادم کفش زهرا را می گرفتم و بو می کردم.

در عالم رؤیا یک بیتوته ای داشتم، خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف رسیدم، گفتم: آقا جان دو چیز است من را می کشد؛ یعنی تمام گوشت بدن من را دارد آب می کند! به خودت قسم اگر تمام عالم را در اختیارم بگذاری من می سوزم، هیچکس این سوختن من را نمی تواند آرام کند، این سوختن من، به دینم قسم نه بهشت، نه فردوس، نه جنات آرامم نمی کند، من می سوزم!

امام زمان! یکی مصیبت جدّت حسین است، یکی هم

مصیبتی است که به مادرت زهرا توهین کردند و البته یکی هم اسیری عمهات زینب است. به خودش قسم تا اسم مادرش را آوردم یک دفعه تکان خورد، مصیبت زهرا عائشاه امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف را تکان می‌دهد، اگر امام زمان همانجا تکان بخورد تمام خلقت تکان خورده است. همانجا به خودم گفتم چرا گفتم؟! حالا می‌سوزم! هیچ چیزی سوختن من را خاموش نمی‌کند مگر آن ذوالفقاری که در دست توست و با آن از دشمنان مادرت زهرا احقاق حق کنی.

مگر مؤمن اینها را باید فراموش کند؟! والله اگر عیش و عشرت بکنید، خدا کم‌تان می‌گذارد، ما مؤمن نیستیم! ما مؤمنی که امضا شده نیستیم! ما متقی واقعی نیستیم! ما مسلمانی! مسلمان بودن به غیر مؤمن است.

ما از امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف چه بخواهیم؟! شما آن چیزی که از ولی الله الأعظم می‌خواهی باید تولیدش به دوستان علی عائشاه برسد. من عقیده‌ام این است که اول چیزی که شما می‌خواهید باید بگویید: آقا جان! ما را در پناه خودت در آخرالزمان حفظ کن.

آقا جان! ما را زیر بال خودت بگیر، همه می‌خواهند دین

ما را ببرند، اصلاً کسی نیست که نخواهد دین ما را ببرد! ما را در پناه خودت حفظ کن.

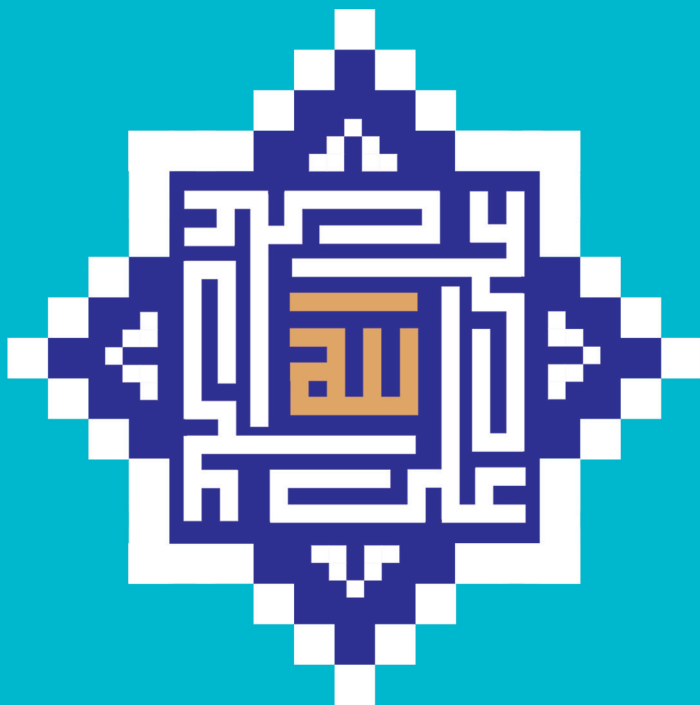
آقا جان! تتمه ی عمر ما را در خواسته ی خودت، هدف خودت، راه خودت قرار بده. تو این که از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می خواهی باید صرف امر کنی، چرا به تو نمی دهد؟! تو از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چه می خواهی؟ یک ماشین خوب، یک خانه ی خوب، یک عروس و داماد خوب...؟! خجالت نمی کشی؟! حیا نمی کنی؟! از امامت این را می خواهی؟! از امامت بخواه: من یاور تو باشم، بگو من سنخه ی تو باشم.

آسوده خاطرم که در دامن توام

دامن نبینم که در دامنش روم (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف)

دامن به غیر دامن تو بی محتوا بود

دامان توست اتصال به ماوراء بود



هدیه: ۵۰۰۰ تومان

